

پیشینه ارسطویی و سینیوی مبادی الهیات تمثیلی توماس آکویناس

محمد مهدی گرجیان^۱، مجتبی افشارپور^۲

چکیده

نظریه الهیات تمثیلی قدیس توماس آکویناس بخصوص با تأکیدی که بر متن کتاب مقدس دارد، از تأثیرگذارترین و پر دامنه‌دارترین نظریات در باب شناخت خدا و تحلیل اسماء و صفات باریتعالی است. تلاش اصلی آکویناس در این بخش مشترک هر دو اثر سترگ وی، یعنی جامع الهیات و جامع در رد گمراهان، بر این است که بتوان صفات کمالی مخلوقات و از جمله انسان بعنوان کاملترین آنها را بر خداوند نیز حمل کرد - البته به روش حمل تمثیلی در مقابل حمل اشتراک معنی و حمل اشتراک لفظ - و بدینصورت به شناختی از اسماء و صفات حق رسید تا در الهیات سلبی قرون وسطی متوقف نشد و البته در دام تشبیه حق به خلق نیز نیفتاد. عنصر اساسی در الهیات تمثیلی آکویناس «قاعده کمالات علت و معلول» است. کمالات معلول از قبل بنحو برتر و عالیتر در علت محققند. در آثار آکویناس علاوه بر این عنصر، دو مبدأ دیگر بنام «برهان درجات کمال» و «اصل تقدم علت بر معلول» نیز بچشم میخورد. وی اصرار دارد

۱. استاد گروه فلسفه دانشگاه باقر العلوم (ع): mm.gorjian@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی دانشگاه باقر العلوم (ع) (نویسنده مسئول): mojafs2@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۲۶ تاریخ تأیید: ۹۷/۶/۱۱



چون تنها خدا بنفسه دارای همه کمالات در بالاترین حد است.^(۲) گاهی تعبیر میکند که هر کمالی در مخلوقات رویه دیگری از کمال الهی را منعکس میکند. البته چنین صفاتی برای کاربرد درباره خدا فراگسترده^۱ شده‌اند و با کارکرد انسانی شان مستقیماً بر خداوند حمل نمی‌شوند. پس در عین اینکه صفت واحد هم بر انسان و هم بر خدا حمل می‌گردد، اما کاربرد الهی آن فراتر از کاربرد انسانی آن است.^(۳)

به هر حال اعتقاد آکویناس چنین است که اسماء کمالی غیراستعاری برگرفته از انسان بعنوان اشرف مخلوقات و نیز برگرفته از سایر مخلوقات را به روش ایجابی بر خداوند حمل می‌کنیم. اما از آنجایی که اولین بار این کمالات را در مخلوقات محسوس و ناقص یافته‌ایم، به همین دلیل، نوع این کمالات ملازم با نقص هستند؛ نقایصی از قبیل جسمانیت و محدودیت و ... اما در عین حالی که این الفاظ را به مناسبت معنای کمالیشان به خداوند اسناد می‌دهیم، آنها را تأویل به صفات سلبی نکرده و یا متناسب با شأن علت بودن خدا آنها را حمل نمی‌نماییم، بلکه فقط در این توصیفات ایجابی حیث وجود همان کمال را در خدا ملاحظه می‌کنیم. از سوی دیگر، بخاطر بساطت و نفی هرگونه ترکیب از خدا، هرکدام از این قضایای مشتمل بر صفات کمالی، بیانگر استناد یک امر کمالی به موجود واحد بسیط هستند.^(۴)

بنابراین توضیحات آکویناس، الهیات تمثیلی مبتنی بر وجود کمالات معلول در علت برتر است؛ همان قاعده معروف کمالات علت و معلول. با توجه به این قاعده و نحوه استفاده از آن در دو کتاب جامع الهیات و جامع در رد گمراهان، میتوان در سازمان الهیاتی - فلسفی آکویناس سه مبدأ برای الهیات تمثیلی استنباط نمود.

ما در نوشتار حاضر در پی توضیح و تبیین حمل تمثیلی و گونه‌های مختلف آن و نقدهای وارد بر آن نیستیم، بلکه بدلیل اهمیت مبادی سه‌گانه‌یی که آکویناس، الهیات تمثیلی را بر آنها بنا ساخته است و اصرار دارد که آنها را به ارسطو نسبت دهد و ریشه‌های نظریه خود را در نظام فلسفه ارسطویی پی‌وراند، قصد داریم این اسنادات آکویناس را بصورت دقیق بررسی نماییم و پیشینه واقعی این مبادی را بکاویم.

1. overextended



محمد مهدی گرجیان، مجتبی افشارپور؛ پیشینه ارسطویی و سنیوی مبادی الهیات تمثیلی توماس آکویناس

که این هر سه را به ارسطو و ابن رشد اسناد دهد تا بدینوسیله حمل تمثیلی خود را ریشه‌دار در حکمت ارسطویی معرفی نماید. اما حقیقت این است که ارسطو به هیچکدام از این مواردی که آکویناس ادعا میکند، تصریحی نداشته است، بلکه فوق تام بودن و خیر محض بودن خداوند بدین معنی که آن کمال محض، مفید کمالات سایر اشیاء است، از دستاوردها و نوآوریهای ابن سینا در مباحث الهیات است. سخنان ابن رشد نیز در این زمینه در حقیقت شرح نظریات ابن سیناست هر چند که ابن رشد آنها را در شرح عبارات ارسطو نگاشته است.

کلیدواژه‌ها: الهیات تمثیلی، علیت، کمالات علت و معلول، تقدم علی، موجود فوق تام، آکویناس

* * *

مقدمه

الهیات تمثیلی توماس آکویناس، از مهمترین و پربحثترین و تأثیرگذارترین نظریات مطرح شده در باب شناخت خدا و اسماء و صفات اوست. هر چند ارائه آن بصورت یک نظریه الهیاتی اولین بار در قرون وسطی شکل گرفته، اما امتدادهای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی و زبان‌شناختی در عصرهای بعد همیشه بعنوان مبحثی جدی در محافل علمی مطرح بوده و حتی تا زمان ما نیز مخالفان و موافقان را به بحث و چالش کشانده است.

مهمترین گام آکویناس در خداشناسی، الهیات تشبیهی یا الهیات تمثیلی اوست. آکویناس در این مسیر باید صفات کمالی مخلوقات و کاملترین آنها یعنی انسان را پایه شناخت خداوند و کمالات او قرار دهد؛ بگونه‌یی که نه تنها در دام الهیات سلبی حاکم بر فضای الهیاتی قرون وسطی اسیر نگردد، بلکه برخلاف برخی الهیدانان پیشین، صفات ایجابی را به صفات نفیی فرو نکاهد.^(۱) در تبیین آکویناس کمالات انسانی، تنها خدا را بصورت ناقص منعکس میکنند،

